

## وضعیت شناسی تصحیح نسخ خطی در ایران

غلامرضا جمشیدنژاد اول

- مصحح و پژوهشگر پیشکسوت در حوزه احیای نسخ خطی  
علی بهرامیان
- فهرست نگار نسخ خطی و مدیر بخش اسناد دایره المعارف بزرگ اسلامی  
حجت الاسلام سید محمد طباطبایی یزدی
- مصحح و یکی از مدیران اجرایی بنیاد محقق طباطبایی  
حجت الاسلام رضا مختاری
- مدیر مؤسسه کتابشناسی شیعه  
سید صادق حسینی اشکوری
- فهرست نگار نسخ خطی و مدیر مجمع ذخائر اسلامی  
حمید عطایی نظری
- عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ مطالعات اسلامی اصفهان  
سید اکبر راشدی نیا
- مصحح و پژوهشگر متون و نسخ خطی در حوزه عرفان  
مصاحبه کننده: مریم مرادخانی

### چکیده

مقاله حاضر گفت‌وگوی خبرگزاری کتاب ایران با اساتید، مصححان و پژوهشگران متون و نسخ خطی می‌باشد. در این گفت‌وگو سعی شده تا دغدغه‌ها و مشکلات این حوزه شناسایی شده و راهکارهای مناسبی برای بهتر شدن وضعیت آن ارائه شود. همچنین سؤالات مشترکی از اساتید محترم در این زمینه شده است که هر یک از ایشان برای بهبودی وضعیت این حوزه، پاسخ‌هایی در خور توجه داده‌اند.

### کلیدواژه

نسخ خطی، تصحیح، تراث اسلامی، کتابخانه‌های داخل و خارج کشور



غلامرضا جمشیدنژاد اول از جمله مصححان و پژوهشگران پیشکسوت در حوزه احیای نسخ خطی است که از وی آثار بسیاری تصحیح و منتشر شده است. وی اعتقاد دارد، میراث فکری و معنوی ما ایرانیان، شناسنامه هویتی و ملی ماست که نیازمند درک و دریافت بیشتر است.

این مصحح پیشکسوت در گفت و گو با ایبنا، از نگهداری نسخه‌ها در برخی کتابخانه‌های ایران گله کرده و می‌گوید برخی از کارمندان کتابخانه‌ها فکرمی‌کنند نسخه‌ها جزو ملک آنهاست!

مشروح گفت و گوی ایبنا، با این مصحح را درباره پیشنهادها و دغدغه‌های وی در ادامه بخوانید:

**از آنجا که تراث اسلامی میراث معنوی و فکری ایران اسلامی است و رساله‌ها و نسخه‌های خطی در حوزه فلسفه اسلامی نیز جزیی از آنها به شمار می‌آید. ایرانیان معاصر و پژوهشگران تا چه میزان توانسته‌اند از این میراث فکری محافظت و آن را به درستی احیا کنند؟**

■ متأسفانه باید به عرض برسانم که متولیان حوزه احیای نسخ خطی و تراث اسلامی کم‌کار شده‌اند؛ بحث من در اینجا از کم‌کاری این است که مسئله بودجه‌گذاری در این حوزه باید با جدیت بیشتری از سوی مسئولان ذیربط به انجام برسد، این نکته را نیز نباید فراموش کرد که مدت‌هاست بودجه برخی از مراکز مرتبط با احیای تراث و نسخ خطی قطع شده است. به همین دلیل کسی هم رغبت چندانی برای چاپ و نشر در حوزه تصحیح متون از خود نشان نمی‌دهد. برخی از مراکز هم به دلیل این امر به چاپ نسخ به صورت فاکسیمیل (چاپ عکسی) روی آورده‌اند که من به شخصه آنها را تصحیح و احیاء نمی‌دانم.

**نسخ خطی از جمله موارث فکری و فرهنگی هر کشوری به شمار می‌آید. ایران تا چه میزان توانسته از این میراث خود پاسداری کند؟ و فاصله آن با سایر کشورهای دارای نسخ خطی چه مقدار است؟**

■ مقداری از این کتاب‌ها در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور نگهداری می‌شود و هنوز برخی از آنها فهرست‌نویسی نشده است. برخی از خانواده‌ها را نیز می‌شناسم که اسناد و نسخه‌های خطی‌شان دست به دست شده و البته هنوز فهرست نشده است و متأسفانه متولی مناسبی هم برای نگهداری ندارند و ورثه نیز به خوبی نمی‌دانند که به کجا باید مراجعه کنند. اگر این خانواده‌ها به کتابخانه‌ها مراجعه کنند آنها هم نمی‌توانند پاسخگوی خانواده‌های دارای نسخه باشند زیرا بودجه‌ای برای خرید، ترمیم و نگهداری نسخه ندارند. باید بگویم این بخش از نسخ خطی و کتاب‌های تراثی ممکن است با قیمتی ناچیز به جای کتابخانه و محل امن به دست تجار کتب خطی بیفتد و توسط آنها به خارج از کشور منتقل

شود، البته در خارج از کشور ممکن است که به دست کتابخانه معتبری بیفتد، به عنوان مثال کتابخانه ملی پاریس یکی از کتابخانه‌های معتبر برای نگهداری کتاب‌های تراثی است. نباید این نکته را نیز فراموش کنم و آن این است که این کتابخانه‌ها با کوچکترین تماسی، آثار و نسخ خطی برای پژوهش و تصحیح در اختیار پژوهشگران و مصححان قرار می‌دهند.

**به کتابخانه‌های داخل کشور و نوع نگهداری نسخ در آنها اشاره نکردید.**

■ درباره این بخش از سؤال شما باید بگویم که در کشور کتابخانه‌هایی داریم که نسخه‌های خطی‌اش ملک شخصی کارکنان آن است و حاضر نیستند که نسخه‌ها را در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار بدهند و چندین دلیل برای این کارشان دارند که یکی از آنها عضویت در کتابخانه است. من پژوهشگر و مصحح که می‌خواهم یک نسخه را بینم و البته برای تصحیح هم حقوقی از جایی نمی‌گیرم، باید مبلغی را برای عضویت بپردازم تا نسخه را بینم. در کل باید بگویم برای تصحیح، مشوق‌ها از بین رفته‌اند و متأسفانه احیای تراث اسلامی حامی ندارد.

**پژوهشگاه‌ها از جمله دستگاه‌های عریض و طویل فرهنگی و علمی هستند که گاه بخشی برای احیای متون ندارند و تنها آثار اعضای هیأت علمی خود را به چاپ می‌رسانند. شما با این تلقی موافقت می‌کنید؟ اگر نه، مصداقی بیان کنید.**

■ به اعتقاد من مصحح باید در درجه نخست، «میراث» را بشناسد. در این باره برایتان مثالی می‌زنم. یکی از کتاب‌های من با عنوان احیای محنت الطیب اثر رازی است. این کتاب ۱۰ سال است که تصحیح و چاپ شده است. رؤسای یکی از بنیادهای فرهنگی یک روز به من گفت با انتشار این کتاب من متوجه شدم «محنت الطیب» را با «ح» جیمی می‌نویسند. می‌خواهم این را بگویم که یک مدیر فرهنگی اطلاع نداشت که این کلمه را چگونه می‌نویسند. متأسفانه کسانی متولیان پژوهشگاه‌ها و بنیادها هستند که گاهی اطلاع ابتدایی درباره موضوعات مورد فعالیت خود ندارند و به تبع همین موضوع اهمیت یک متن میراثی را نیز نمی‌شناسند و متأسفانه بودجه‌های کلان هم دریافت می‌کنند.

**شناخت موارث فکری و روش تصحیح روی دیگر سکه تصحیح در کشور ماست. به طور قطع، این کار نیز خالی از نقص و خلل نیست. از منظر شما مهمترین آسیب حوزه تصحیح نسخ خطی در کشور ما در چه مواردی است؟**

■ مهمترین آسیبی که می‌توانم به آن اشاره کنم این است که در درجه اول باید صلاحیت مصحح احصاء و معلوم شود. متأسفانه برخی از مصححان اصلاً نسخه را نمی‌شناسند. وقتی که نسخه درست خوانی نشود، کار تصحیح صورت گرفته در آن هم نادرست و پراز غلط است. در درجه بعد باید به حمایت از ناشران اشاره کنم که باید از مصححان ذی صلاح حمایت‌های لازم را به عمل آورند که متأسفانه انجام نمی‌شود. البته تمامی این عوامل به یک اصل کلی برمی‌گردد و آن این است که در کشور ما توجه به مطالعه و همچنین مطالعه کتاب فیزیکی اندک شده است و کتاب مجازی از اقبال بیشتری برخوردار است. در این بین، ما باید به میراث به عنوان یک شناسنامه هویت ملی نگاه کنیم.

رساله‌ها و نسخه‌های خطی در شاخه‌های مختلف علمی و فرهنگی از جمله فلسفه و کلام یکی از میراث‌های کهن و ارزشمند تمدن ایران اسلامی است که بر مبنای آن آراء و نظریات مختلفی شکل گرفته است که امروزه از آن با عنوان «فلسفه اسلامی» یاد می‌شود. این میراث فکری که از آن با عنوان «تراث اسلامی» یاد می‌شود، باب ورود معاصران به دنیای گذشته و تفکر شکل گرفته در آن سال‌هاست. از چند سال گذشته پژوهشگران و نهادهایی برای شناسایی، تصحیح و انتشار این تراث پا به عرصه تحقیق گذاردند، این فتح باب نیز به دور از مسائل فنی و علمی نیست. علی بهرامیان، فهرست نگار نسخ خطی و مدیر بخش اسناد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی اعتقاد دارد، دوره «زریاب خوبی»ها و «دانش پژوه»ها به سر آمده و هنوز نتوانسته‌ایم تصحیحی منقح از آثار ابن سینا تولید و منتشر کنیم.



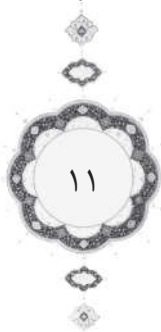
**آقای بهرامیان بی شک رساله‌ها و نسخه‌های خطی جزو تراث اسلامی در تمدن ایران است. امروزه هم**

**بسیاری از پژوهشگران در صدد احیای این میراث مکتوب هستند. به نظر شما با این میراث فکری و فرهنگی به جا مانده باید چه کنیم؟**

■ در اهمیت تراث و میراث اسلامی جای هیچ بحثی نیست. همین بس که این میراث ارتباط ما با گذشته تاریخی را امکان پذیر می‌سازد. اگر ما بخواهیم به تاریخ اندیشه، سیاست و حتی تاریخ در گذشته‌های دور راهی بیابیم، لاجرم باید به میراث مکتوب خود رجوع کنیم. به موضوع خوبی اشاره کردید که در این وضعیت کنونی با این میراث به جا مانده باید چه کنیم. موزه‌ها و کتابخانه‌های سراسر دنیا مملو از این نسخه‌ها و رساله‌های خطی هستند که البته شناسایی آنها هم کار دشواری است. پس در اینجا اهمیت فهرست نویسی خودش را نشان می‌دهد. باید بگویم فهرست نویسی یکی از مهمترین گام‌های موثر در شناسایی تراث اسلامی است.

**باتوجه به اینکه فهرست نویسی را جزو گام‌های اول برای احیای تراث اسلامی عنوان کردید آیا آموزش و پرورش ایران توانسته افراد متخصص برای این کار را تربیت کند؟**

■ به نکته خوبی اشاره کردید؛ اصولاً وضعیت آموزش و پرورش کشور ما و کشورهای اسلامی با آنچه به عنوان مثال در سیزده قرن گذشته بوده، متفاوت است. در سیزده قرن گذشته اشخاص با نحوه ویژه آموزشی پرورش داده می‌شدند که ماحصل درخشانی داشت که از میان آنها می‌توانیم به امثال بیرونی، غزالی، ابن سینا و خواجه نصیرها اشاره کنیم. درست است که این فلاسفه استعداد شخصی داشتند اما یک ظرفی بودند که جامعه می‌توانست آنها را پر کند؛ به عبارتی شیوه آموزش آنها به گونه‌ای بود که امثال این اندیشمندان تربیت می‌شدند. با این مقدمه می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که یکی از دلایل سختی شناسایی



و انتشار میراث گذشته برای معاصران در همین نوع تربیت و آموزش است. بهترین مصححان متن‌های رساله‌های خطی در این یک قرن اخیر کسانی بودند که خود را همانند فرهنگ آن دوره تربیت کردند. امثال مرحوم علامه قزوینی که تصحیح دقیقی از متون داشته، کسی بوده است که به مانند حکمای پیشین تربیت شده بود؛ یعنی آدم جامع‌الاطراف بود. شعر و ادب و عربی و فلسفه و منطق و همه اینها را به خوبی می‌دانست.

### با این توضیح، پاسخ شما به پرسش قبلی من منفی است؟

■ بله! آموزش و پرورش ایران هنوز نتوانسته برای کارهایی از این قبیل، افراد متخصص پرورش دهد. برای اینکه شناسایی میراث گذشته چندان کار آسانی نیست. کتابخانه‌ای است که مجلدات فراوانی از نسخه‌های خطی دارد که باید فهرست نویسی شود تا مؤلف، موضوع، نوع کتابت، نوع کاغذ و آرایش هنری آن مسجل شود. متأسفانه به دلیل نبود شناسایی‌های درست، رساله‌های بی‌شماری را به ابن‌سینا منتسب کرده‌اند. یک فهرست‌نگار نسخه‌های خطی باید محقق‌ی درجه یک باشد تا به مواردی که اشاره کردم اشراف یابد. ممکن است در یک نسخه خطی ۳۰ تا ۴۰ رساله وجود داشته باشد که باید کتابشناسی درستی بر آنها انجام شود که این هم مرحله مهمی است؛ یعنی اگر فهرست‌نگار نتواند فهرست درستی از نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها تنظیم کند نقض غرض کرده است. تا آنجا که من می‌دانم این دستگاه‌های فرهنگی برای این مجموعه‌ها افراد متخصص تربیت نمی‌کند. صرف داشتن مدرک دکترای ادبیات نمی‌شود یک نسخه تصحیح کرد. در یک کلام، یکی از سخت‌ترین کارهای فرهنگی در روزگار ما تصحیح نسخه‌های خطی است. نسخه‌شناسی هم تجربه می‌خواهد؛ هرچه نسخه به عصر مؤلف نزدیک باشد کمتر مورد تحریف قرار می‌گیرد.

### در بخشی از صحبت‌های خود به وجود مصححان متبحر در یک قرن گذشته اشاره کردید. کمی درباره نوع کار این مصححان بفرمایید؟

■ در روزگار ما استادان درجه اولی بودند. همان‌طور که گفتم این محققان خود را مانند علما و حکمای پیشین تربیت کرده بودند؛ یکی از آنها مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه است که فهرست‌نویسی جزو جوهر دانش وی بود. علامه زریاب‌خویی به واقع از دیگر محققان برجسته‌ای بود که در امر فهرست‌نویسی کارهای بی‌بدیلی انجام داد. مرحوم زریاب‌خویی، آذربایجانی بود و هیچ‌گاه دچار جوزدگی قومی و قبیله‌ای نشد؛ موضوعی که متأسفانه امروز به دلیل دورافتادن مردم از میراث‌های گذشته در میانشان دیده می‌شود. وی نخستین مقاله‌اش را درباره زبان فارسی نوشت و هیچ‌گاه خود را از ملیت خویش دور نکرد.

در میان مؤسسات انگشت‌شماری که برای احیای تراث اسلامی تأسیس شدند پژوهشگاه‌هایی نیز به وجود آمدند که بیشتر به انتشار کارهای پژوهشی پژوهشگران خود اقدام می‌کنند؛ در حالی که برای تبیین فلسفه و کلام سرزمین ایران باید میراث گذشته احیا شود. این دورافتادگی پژوهشگاه‌ها از احیای تراث اسلامی را چگونه تبیین می‌کنید؟

■ با شما موافقم. پژوهشگاه‌های ما با آن دستگاه‌های عریض و طویل خود تنها به

چاپ آثار اعضای هیأت علمی خود همت می‌گمارند. در حالی که غربی‌ها درباره نویسندگان خود مانند شکسپیر تصحیحات مختلفی از آثارشان را چاپ کردند. باعث سرافکندگی ما ایرانیان است که هنوز نتوانستیم از کتاب قانون ابن سینا نثری منقح ارایه کنیم. در حالی که این اندیشمندان تاریخ اندیشه ایران را ساختند. امروزه ما دچار نوعی افراط و تفریط در اقدامات فرهنگی و علمی خود شده‌ایم به قول استاد ملکیان از کتاب‌ها و افراد مرده سوال مرده می‌کنیم. در مباحثی قلم فرسایی می‌کنیم که چندان ربطی به ما ندارد و در کل سردرگم هستیم. هنوز که هنوز است از برخی درباره جو فرهنگی قرن دوم و سوم سؤال می‌کنند؛ در حالی که دیگر جای بحث این مسایل در روزگار ما نیست. تأکید من بر این نکته است که موضوعات مورد بحث در دنیای امروز به ویژه در سرزمین ایران موضوعاتی است که اصیل نیست. ما باید این دیدگاه را در خودمان تقویت کنیم که با «دید نو» به میراث گذشته خود نگاه کنیم. برای شناسایی تاریخ موسیقی ایران یا باید به عربی مسلط باشیم تا بتوانیم تاریخ موسیقی را به درستی بخوانیم یا اینکه مصححان خوبی داشته باشیم تا بتوانند این تاریخ را برای ما ترجمه کنند که البته استاد عبدالله انوار این کار را در رساله‌های ابن سینا به انجام رسانده است.

**به موضوع افراط و تفریط در اقدامات فرهنگی و علمی اشاره کردید؛ آیا ما دچار نگاه ایدئولوگ و یا ناسیونالیستی به فضای موجود ایران پس از ظهور اسلام هستیم؟**

■ بله! امثال ابن سینا پس از ظهور اسلام در ایران به نوشتن رساله‌های خود آن هم به زبان عربی اقدام کردند. متأسفانه نگاه ایرانی‌ها به ایران پس از حمله اعراب یا یک نگاه ایدئولوژیک است یا یک نگاه ناسیونالیستی. حمله مغول نیز در این نوع نگاه جای می‌گیرد. باید توجه داشته باشیم که ظهور اسلام یا حمله مغول یا اقوام دیگر باعث از بین رفتن مآخذ تاریخ ایران نمی‌شود؛ اما گاهی محققان با جزم‌نگری خود، از آن عبور می‌کنند. اگر مراکز تحقیقاتی ما نیز بدون هدف‌گذاری به دنبال اشخاص بگردند آب درهاون می‌کوبند. می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که ابتدا باید میراث ما شناسایی و سپس احیا شود. در روزگاری که امثال مرحوم «زریاب خویی»‌ها از بین ما رفته‌اند باید تیمی برای احیای این میراث درست شود.

**برخی قول‌ها بر این است که تنها ۴۰ درصد از آثار ابن سینا در ایران شناسایی، احیا و منتشر شده است. شما به عنوان پژوهشگر تاریخ و فهرست‌نگار دلیل این شناسایی نکردن را در چه می‌دانید؟**

■ ابن سینا به واقع یکی از حکیمان تراز اول ایران است که باید متولیان برای وی و سایر اندیشمندان ترتیبی اتخاذ کنند که مجموعه‌ای از آثار آنها منتشر شود. متأسفانه همه مؤسسات به دایرةالمعارف نویسی روی آورده‌اند. باز هم به این نکته اشاره می‌کنم که ما هنوز در تربیت افراد برای این کار مشکل داریم. ابن سینا دارای زبان خاص خودش بوده است. رساله‌های بسیار زیادی منتسب به وی است که باید در درجه اول کتابشناسی درستی از آثار این اندیشمند احصا شود تا درگام بعدی بتوان آنها را احیا کرد.

**در بخشی از سخنان خود به وجود رساله‌های متعدد در کتابخانه‌های سراسر دنیا اشاره کردید چه شد که رساله‌ها و نسخه‌های خطی ایران از مرزهای این کشور خارج شدند؟**

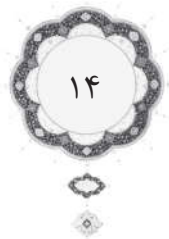
■ به این سؤال شما می‌شود از دو نگاه حسن ظن و سوءظن نگاه کرد. کسانی در آن سوی دنیا بوده‌اند که علاقه‌مند به جمع‌کردن این رساله‌ها بوده‌اند. نگاه حسن ظن این است که شرایط نگهداری آنها در حال حاضر از ایران بهتر است؛ یعنی رساله‌های خطی اگرچه ناشناخته‌اند اما در مکان مناسبی نگهداری می‌شوند؛ زیرا ما ایرانیان یاد نگرفته‌ایم که از میراث فکری و فرهنگی خود درست نگهداری کنیم. در سفری که در چند سال گذشته به پاریس داشتم شنیدم که در پاریس ۴۰۰ سال است اشیای باستانی‌اش خراب نشده اما در ایران هر روز دیوارهای باستانی با نوشتن یادگاری‌های جدید نو می‌شود. هم‌اکنون در کتابخانه ازبکستان در تاشکند ۴۰ هزار نسخه خطی وجود دارد که به گفته خودشان تنها ۹ هزار از آن شناسایی شده است. نگاه سوءظن نیز به یغما رفتن میراث فرهنگی در تاریخ کهن ایران است.

حجت‌الاسلام سید محمد طباطبایی یزدی، مصحح و یکی از مدیران اجرایی بنیاد محقق طباطبایی معتقد است مشکل اصلی در امر تصحیح متون این است که یک مصحح متون تاریخی، متن‌های فلسفی، حکمی و کلامی را نیز تصحیح می‌کند در حالی که تصحیح هر متنی دانش خاص خود را می‌طلبد. وی در مجموع، وضعیت ایران در احیای تراث اسلامی را خوب ارزیابی کرده است.



**از آنجا که تراث اسلامی میراث معنوی و فکری ایران اسلامی است و رساله‌ها و نسخه‌های خطی در حوزه فلسفه اسلامی نیز جزیی از آن‌ها به شمار می‌آید، ایرانیان معاصر و پژوهشگران تا چه میزان توانسته‌اند از این میراث فکری محافظت و آن را به درستی احیا کنند؟**

■ البته محافظت و احیا دو مقوله جدا از هم هستند که در زمان معاصر شاهد وضع نسبتاً مطلوبی در هر دو زمینه هستیم. درباره محافظت نسخ خطی باید بگوییم که در کتابخانه‌های ایران به خوبی از نسخه‌ها محافظت و نگهداری می‌شود؛ اگرچه دسترسی به نسخه‌ها در برخی از آنها دشوار است و محققان و مصححان ما از این نظر شکوه دارند که کتابخانه‌ها گاهی نسخه مورد نیاز را در اختیارمان قرار نمی‌دهند؛ اما در کتابخانه‌های شخصی مسئله طور دیگری است؛ یعنی بسیاری از نسخه‌ها در معرض آسیب دیدن و حتی نابودی هستند؛ به یاد دارم که پدرم مرحوم «سید عبدالعزیز طباطبایی» که نسخه‌شناس متبحری بود، همیشه افراد صاحب نسخه را ترغیب می‌کرد که نسخه‌هایشان را به کتابخانه‌های معتبر ایران اهدا کنند یا اینکه به آن کتابخانه‌ها بفروشند. خود ایشان هم بنایش بر جمع‌آوری



نسخ خطی در کتابخانه شخصی اش نبود.

اما درباره تصحیح متون، می‌توانم بگویم وضعیت تصحیح متون در کشور ما خوب است و در حال حاضر از بسیاری جلوتر هستیم. البته باید بین تصحیح و تحقیق تفاوت قائل شد؛ به نظر من شیوه غربی‌ها برتری دارد که اصل را بر تصحیح متن گذاشته‌اند و هرگونه تعلیقات و توضیحات و مستندسازی عبارات متن را به حوزه دیگری واگذار می‌کنند. درباره متون کهن میراث اسلامی که از منابع اندیشه ما به شمار می‌روند با توجه به کهن بودن نسخه و فاصله زمانی زیاد با مؤلف کتاب، تصحیح درست و استاندارد آن است که بیشترین شباهت و قرابت را با نوشته نویسنده داشته باشد و به قول «عبدالسلام هارون» مصحح توانای مصری: «و کان متنه اقرب ما یكون الی الصورة الی التي ترکها مؤلفه»؛ تصحیح یعنی به دست دادن متنی هر چه نزدیک‌تر به متن اصلی.

برخی متون ما آن قدر حاشیه و پاورقی می‌خورند که متن اصلی در آن گم شده است. بهترین شکل تصحیح متن، تصحیح به شیوه انتقادی است که متأسفانه شیوه تصحیح انتقادی تصحیح متون در کشور ما جا نیفتاده است و بیشتر مصححان با اصول و قواعد آن آشنایی ندارند. ملاحظه کنید کتاب سوانح احمد غزالی را نخستین بار «هلموت ریتز» محقق سختکوش آلمانی بر مبنای شش نسخه خطی تصحیح کرده است که این اثر نخستین بار در سال ۱۹۴۲ میلادی در ترکیه به چاپ رسیده است، یعنی تا پیش از این تاریخ به صورت خطی بوده است. این کتاب با اینکه پس از او بارها در کشور ما چاپ شده است؛ ولی همه چاپ‌ها مغلوط هستند و هنوز همان تصحیح قدیم «ریتز» که با دقت فراوان صورت گرفته، بهترین چاپ این کتاب است.

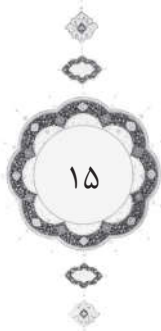
آقای دکتر پورجوادی در مقدمه خود بر چاپ مجدد کتاب، به خوبی اهمیت کار ریتز را منعکس کرده است. البته به این معنی نیست که هر چه در غرب تصحیح می‌شود همین رتبه را دارد. اهمیت کار غربیان این است که تحقیق و تصحیح‌شان روش مند است؛ اما به تازگی، باز هم تصحیحاتی می‌بینیم که چندان قوتی ندارند؛ بلکه ضعیف هستند. هر چه باشد انسان غربی با فرهنگ اصیل ما بیگانه است و ممکن است واژه‌هایی را متوجه نشود. اخیراً دیدم یکی از آنان، «لم يتجاوز عن آذانهم» که به معنی این است که: «از گوش آنان تجاوز نمی‌کند.» «اذان» را به معنی اذان (اذان و اقامه) گرفته است - و نه جمع کلمه «أذن» به معنی گوش - و کلی در تأویل آن به خود زحمت داده است.

**شما به عنوان یکی از مصححان در حوزه اندیشه اسلامی و یکی از بازوهای اجرایی «بنیاد محقق طباطبایی» این مهم (احیای تراث اسلامی) در ایران را تا چه میزان موفق ارزیابی می‌کنید؟**

■ بنده خوشبینانه به این موضوع نگاه می‌کنم. به نظر من گام‌هایی جدی در راه احیای تراث اسلامی به ویژه در این سه دهه اخیر برداشته شده است. البته به معنی این نیست که ما در وضعیت ایده‌آلی به سر می‌بریم. لازم است اشاره کنم که تصحیح متون یک کار

۱۰۰. تصور می‌کنم ۱۶ بار به چاپ رسیده است.





تخصصی است که دارای ضوابطی است و یک مصحح باید اهلیت این کار را داشته باشد. مشکل اساسی ما این است که برخی افراد هم متن حدیثی تصحیح می‌کنند و هم برای مثال متن تاریخی، هم متن کلامی و فلسفی. در حالی که تصحیح هر متنی دانش ویژه خود را می‌طلبد و هر متن در هر موضوعی را کسی باید تصحیح کند که در آن موضوع کار کرده باشد و با اصطلاحات و مسائل آن علم آشنایی لازم را داشته باشد. مسئله دیگری که اهمیت آن کمتر از مسئله قبلی نیست این است که وقت و حوصله کافی، شرط ضروری تصحیح متن است. متأسفانه شتاب‌زدگی در امر تصحیح، آفت مهم و شایعی است و بسیاری را می‌بینیم که به جهات مختلفی مثل این که کار دیگری را به دست بگیرند یا کتابشان در تاریخ معین تمام شود و برای مثال، به نمایشگاه کتاب برسد وقت کافی برای آن نمی‌گذارند و دقت لازم را در تصحیح متن به کار نمی‌دهند و خلاصه اینکه شتاب‌زدگی آفت مهمی است.

از سوی دیگر ملاحظه می‌کنیم تعدادی از متون مهم ما که تصحیح شایسته‌ای از آنها انجام نشده است همچنان به حال خود مانده‌اند؛ به عنوان نمونه تمهید الاصول شیخ طوسی کتاب کلامی مهمی است که سال ۱۳۶۲ توسط انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید و دیگر هم تجدید چاپ نشد و به همان شکل مغلوط باقی مانده است و یا اینکه الذخیره سید مرتضی را با همان تصحیح اولیه و شتاب‌زده‌اش همچنان انتشارات جامعه مدرسین تجدید چاپ می‌کند، بدون اینکه ویرایش جدیدی از آن ارائه دهد. بسیاری از میراث مکتوب ما متأسفانه هنوز چاپ‌های قابل اعتمادی ندارند.

**با توجه به فعالیت موسساتی که در زمینه احیا و صیانت از این نسخه‌ها در کشور در حال فعالیت هستند، هنوز بسیاری از آثار، شناسایی نشده و مغفول مانده‌اند. به نظر شما جای خالی تیمی قوی برای شناسایی این آثار در مؤسسات احساس نمی‌شود؟**

■ بله! اولین گام، فهرست‌نگاری و ارائه فهرستی از دارایی‌های ما از نسخه‌های خطی است. می‌دانیم که ایران پس از ترکیه، غنی‌ترین منابع و ذخائر عظیم نسخه‌های خطی اسلامی را در جهان دارد و با اینکه فهرست‌نگاری و شناسایی و معرفی نسخه‌ها در کشورمان عمری حدود نود ساله دارد، با این حال بیش از نیمی از نسخه‌های ما هنوز فهرست نشده‌اند؛ حتی در کتابخانه‌های بزرگ و معتبرمان. چه بسیارند نسخه‌هایی که در گوشه و کنار این مرز و بوم وجود دارند و ما از آنها بی‌اطلاعیم و دست محققان و پژوهشگران ما از آنها کوتاه است. در اینکه معرفی نسخه‌های خطی باعث می‌شود کار پژوهش و تحقیق دوچندان شود و پژوهشگران با استفاده از این کتابشناسی‌ها به تحقیقاتی تازه روی بیاورند بحثی نیست؛ اما این که مؤسسات پژوهشی خود تیمی تشکیل بدهند برای شناسایی نسخ، به نظرم ایده خوبی است؛ اما عملی نیست. این کار باید از طریق کانال خودش انجام شود. آنچه مهم است نگاه مدیریت کلان فرهنگی کشور است به این امر خطیر. به هر اندازه که از نگاه آنان مسئله با اهمیت باشد، به طور قطع، پشتیبانی قوی‌تری خواهند کرد که نتیجه‌اش را بعدها خواهیم دید.

**یکی از نقاط ضعف پژوهشکده‌هایی که در زمینه تحقیقات اسلامی و خاصه فلسفه**

اسلامی فعالیت می‌کنند، کم توجهی به احیای تراث اسلامی و فلسفی است. اگر پاسخ شما به این دیدگاه مثبت است، راه برون‌رفت را در چه مسائلی ارزیابی می‌کنید؟ و اگر پاسخ منفی است، مصداقی از فعالیت‌های احیا و انتشار نسخ خطی در پژوهشکده‌ها بفرمایید؟

البته کم توجهی به موضوع احیای تراث، اختصاصی به پژوهشکده‌ها و مراکز تحقیقی ندارد. عموماً در کشور ما نگاهی جدی به موضوع احیای تراث مشاهده نمی‌شود. مشکل اساسی ما این است که بسیاری از فرهیختگان ما با نسخه خطی آشنا نیستند و تصحیح متون را جدی نمی‌گیرند. از طرف دیگر در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تصحیح متن را از دانشجو به عنوان پایان‌نامه به راحتی نمی‌پذیرند. البته این امر تاژگی ندارد. شیخ آقا بزرگ تهرانی آن علامه جلیل‌القدر که عمر خود را بر سر کتابشناسی و معرفی نسخه‌ها و مؤلفان آنها گذاشت، در همان زمان نگارش کتاب سترگ «الذریعه» مورد بی‌توجهی برخی از آقایان نجف بود و معتقد بودند که این علامه سخت‌کوش وقت خود را تلف می‌کند. البته اکنون مثل سابق نیست و وضع بهتر شده است؛ هم اقبال به کتابشناسی و نسخ بیشتر شده است و هم تشویق و قدردانی از حامیان این عرصه فرهنگی. درباره آثار فلسفی که اشاره شد، باید گفت که درک و فهم متون فلسفی کهن ما نیز دشوار است و مصحح باید با عمق مطالب فلسفی آشنا باشد و هم در فن تصحیح مهارت کافی داشته باشد.

از طرفی مخاطب آن هم خاص است و کسی که وقت و دقت فراوانی روی یک متن فلسفی می‌گذارد از همان ابتدای امر می‌داند کتاب او کتاب پرفروشی نیست و عوائد اقتصادی چندانی در پی ندارد. اکنون ببینید نشر میراث مکتوب که تعداد قابل توجهی از آثار فلسفی را به طبع رسانده، شمارگان کتاب‌هایش به چه عددی تنزل پیدا کرده است. با این حال، بعضی تصحیحات انجام شده قابل قدردانی هستند و با دقت صورت گرفته‌اند، مثل تصحیح کتاب الاق المبین میرداماد که آقای حامد ناجی اصفهانی انجام داده و همچنین کتاب تقویم الایمان میرداماد که آن را علی اوجبی تصحیح کرده‌اند که ای کاش برای تصحیحات بعدی‌شان هم همین اندازه وقت صرف می‌کردند.

حجت‌الاسلام رضا مختاری، مدیر موسسه «کتابشناسی شیعه» و از جمله پژوهشگران دغدغه‌مند در این حوزه است. وی می‌گوید: احیای تراث اسلامی بعد از انقلاب اسلامی سر و سامان یافته، اما هنوز برخی آثار شناسایی و احیا نشده‌اند. به اعتقاد این مدیر فرهنگی وضعیت احیای تراث اسلامی در روزگار ما در حالت تعادل به سر می‌برد.

از آنجا که تراث اسلامی میراث معنوی و فکری ایران اسلامی است و رساله‌ها و نسخه‌های خطی در حوزه فلسفه اسلامی نیز جزیی از آنها به شمار می‌آید، ایرانیان معاصر و پژوهشگران تا چه میزان توانسته‌اند از این میراث فکری محافظت و آن را به درستی احیا کنند؟





■ امروزه در کشور ایران تلاش‌های فراوانی برای احیای میراث فلسفی انجام شده است، اما این تلاش‌ها کافی نیست. در گذشته دسترسی به نسخه‌های خطی مانند امروز آسان نبود و طبعاً کسانی که آثار فلسفی را تصحیح می‌کردند تنها به چند نسخه در دسترس خود اکتفا می‌کردند. به برکت فهرست نویسی نسخه‌ها امروزه دستیابی به این رساله‌ها برای تصحیح آسان است. دسترسی به نسخه‌های خطی، امروزه امر مشکلی نیست؛ از این نظر برخی متون بخش میراث فلسفی احیا شده و بخش‌های احیا نشده هر دو نیازمند به تصحیح هستند. در تصحیح متون به ویژه در شرایطی که بخش اعظمی از نسخه‌ها و مخطوطات شناسایی شدند، یک مصحح نباید به یافتن چند نسخه بسنده کند؛ بلکه باید برای تصحیح نسخه مناسب، تمامی نسخه‌های شناسایی شده را احصاء کند؛ سپس نسخه اصل نزدیک به خط مؤلف یا نسخه‌ای را که شاگردان از مؤلف جمع‌آوری کرده‌اند به دست بیاورند.

اگر مصحح به یافتن نسخه‌های اصیل‌تر و بهتر استقرا نکند کار وی از اعتبار چندانی برخوردار نخواهد بود. مصحح خوب در گام‌های بعدی باید بهترین نسخه ممکن برای تصحیح را انتخاب کند؛ حال می‌تواند بهترین نسخه یک نسخه باشد یا ده‌ها نسخه. یافتن اختلاف بین نسخه‌ها امر مهمی است که مصحح نباید آن را فراموش کند؛ زیرا یافتن نسخه‌های مناسب می‌تواند مصحح را در تأثیرپذیری مؤلف از اندیشمندان دیگر کمک کند؛ البته یافتن منابع اختلافی بین کتاب مرجع مؤلف نیز از دیگر کارهای مهمی است که مصحح نباید به آن بی‌توجه باشد.

**با توجه به تفسیر شما از موقعیت تراث اسلامی در ایران می‌توان این‌گونه برداشت کرد که وضعیت احیای این نسخه‌ها در حال تعادل به سر می‌برد؟**

■ بله، این طور است! به هر حال کارهای مهم و شایسته‌ای در ایران منتشر شده؛ اما نباید از رساله‌های شناسایی نشده و تصحیح نشده نیز غافل شد.

**با توجه به اینکه شما مدیریت مؤسسه کتابشناسی شیعه را بر عهده دارید و طبعاً به علت نوع کار خود با موسسات خارج از ایران نیز در ارتباط هستید، وضعیت مقایسه‌ای بین ایران و شرایط نگهداری و احیای نسخه‌های خطی در خارج از کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

■ در پاسخ به این پرسش شما باید بگویم ایران یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا در تعداد فهرست نویسی نسخه‌هاست. البته از کمیت صحبت نمی‌کنم زیرا اعتقاد دارم در نوع کار مصححان و کتابخانه‌های خارج از ما بهتر عمل کرده‌اند اما هیچ‌کدام از کشورهای دنیا به تعداد مصححان و فهرست‌نگاران ایرانی نسخه‌های خطی را فهرست نکرده‌اند. کتابخانه آیت‌الله مرعشی کتابی با عنوان «فهرست الفهارس» را به کوشش حسین متقی منتشر کرده است. این کتاب شاهی بر مدعای من است زیرا نشان می‌دهد چه تعداد نسخه خطی در ایران فهرست شده است.

**به نظر شما موسوعه نگاری یا جمع‌آوری مجموعه رساله‌های اندیشمندان تا چه میزان می‌تواند از انتساب رساله‌ها به علما پیشگیری و کار تصحیح را آسان کند؟**

■ سؤال خوبی را مطرح کردید. در حال حاضر، چند تن از علما و فضلا در حال تصحیح آثار ابن سینا هستند. رساله‌های بسیار زیادی نیز منتسب به شیخ‌الرئیس است. موسوعه‌نگاری یا تجمیع آثار اندیشمندان در یک مجموعه به کار مصححان کمک کرده و از انتساب‌های فراوان آثار و اندیشمندان نیز جلوگیری می‌کند. همان‌طور که می‌دانید در سال‌های اخیر موسوعه‌های شهید اول، شهید ثانی، شرف‌الدین و علامه بلاغی منتشر شده است. نگارش این موسوعه‌ها از شتابزدگی مصححان نیز جلوگیری می‌کند و باعث می‌شود تا رساله‌های کوچک اندیشمندان مورد غفلت قرار نگرفته و در این مجموعه‌ها احصا شود.

**قطعا انتشار موسوعه‌هایی مانند موسوعه شهید ثانی و... نیازمند زمان بسیار زیادی برای احصای درست رساله‌های آنهاست؛ جای تیمی قوی برای شناسایی این آثار در میان مصححان نیز به چشم می‌خورد؟**

■ با شما موافقم! تیم مصححان، نیازمند گروهی از پژوهشگران هستند که بتوانند در احصای رساله‌های خطی و انتشار آنها در یک مجموعه، نقش پررنگی داشته باشند. باید اشاره کنم که موسوعه شهید اول و ثانی از سی سال گذشته در حال جمع‌آوری بود؛ اما این نکته را نیز نباید فراموش کنیم که برخی مصححان منتظر دریافت رساله‌ای شسته و رفته برای تصحیح هستند.

**بسیاری از پژوهشکده‌های تأسیس شده که دارای بخش‌های متنوع فلسفه و کلام هستند جز در یک مورد، بخشی مربوط به احیای تراث اسلامی ندارند؛ در حالی که تمامی پژوهش‌های فلسفی و کلامی باید دارای مبنایی از گذشتگان باشد. این نوع نگاه پژوهشکده‌ها به احیای نسخه‌های خطی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

■ باید به این نکته اشاره کنم که بعد از وقوع انقلاب اسلامی احیای آثار مکتوب سر و سامان بیشتری یافته است؛ اما با نکته‌ای که شما به آن اشاره کردید موافقم. در میان پژوهشکده‌های تأسیس شده تنها یک یا دو پژوهشکده هستند که دارای یک بخش قوی برای احیای تراث اسلامی هستند. از این نکته نباید غافل شویم که برخی اهالی فضل و علم این تلقی را دارند که تصحیح متن کاری خدماتی است؛ در حالی که به اعتقاد من تصحیح یک متن فلسفی، سخت‌تر از تألیف و ترجمه است؛ زیرا مصحح باید به زبان نویسنده، اصطلاحات و موضوع رساله مسلط باشد تا بتواند تصحیح مناسبی از یک رساله ارائه دهد. بی‌تعارف باید بگویم حق تصحیح و احیای متون ادا نشده است. مراکز علمی ما هنوز تصحیح متن یا بخشی از آن را به عنوان یک پایان‌نامه نمی‌پذیرند؛ در حالی که مراکز علمی دیگر مانند «جامعه‌الاسلامیه المدینه» تصحیح کتاب یا بخشی از آن را به عنوان پایان‌نامه علمی می‌پذیرد. به اعتقاد من مراکز علمی ایران اهمیت کار و سختی آن را درک نکرده‌اند؛ به همین دلیل است که این موضوعات را به عنوان پایان‌نامه نمی‌پذیرند و همین امر موجب تکرار عناوین پایان‌نامه‌ها و انباشت آن می‌شود. اگر ما بتوانیم مراکز علمی مان را متقاعد کنیم که احیای تراث اسلامی می‌تواند بخشی از پایان‌نامه‌های دانشجویان باشد بسیاری از عناوین تکراری پایان‌نامه‌ها دیده نمی‌شود و احیای میراث معنوی و فکری تمدن ایران

اسلامی نیز در سرلوحه اقدامات پژوهشی قرار می‌گیرد.

سید صادق حسینی اشکوری، فهرست‌نگار نسخ خطی و مدیر مجمع ذخائر اسلامی اعتقاد دارد احیا و انتشار نسخ خطی در ایران مقرون به صرفه نیست و متأسفانه اقدامات برخی مؤسسات در این باره با محدودیت مواجه شده است.

وی ایران را تنها کشوری می‌داند که نسخ خطی فارسی و عربی را همزمان تصحیح و منتشر می‌کنند.

آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگوی ایبنا با این فهرست‌نگار است.



**از آنجا که تراث اسلامی میراث معنوی و فکری ایران اسلامی است و رساله‌ها و نسخه‌های خطی در حوزه فلسفه اسلامی نیز جزیی از آن‌ها به شمار می‌آید، پژوهشگران تا چه میزان توانسته‌اند از این میراث فکری محافظت و آن را به درستی احیا کنند؟**

■ می‌توان از دو منظر، احیای این آثار در ایران و ممالک اسلامی را بررسی کرد. اطلاعات ما از ممالک اسلامی کامل نیست، اما درباره ایران باید بگوییم با روند رو به نزولی مواجه هستیم. علت عمده آن نیز این است که احیای میراث مقوله اقتصادی نیست و هزینه بر می‌باشد. حامیان خصوصی و دولتی از این بحث (احیای تراث اسلامی) در دنیا پشتیبانی می‌کنند؛ اما در ایران مشکلات مالی برای مؤسسات به وجود آمده است، برخی مؤسسات کارهای سفارشی‌شان متوقف و اقدامات درون مؤسسات هم محدود شده است. این امر متأسفانه بلایی است که به جان احیای میراث در ایران افتاده است. البته عده‌ای از ناشران و افراد دلسوز هستند که همچنان به امر احیای تراث و انتشار آن می‌پردازند و البته با افت و خیز فراوان این کار را دنبال می‌کنند.

**شما به عنوان یکی از مدیران دلسوز در حوزه نسخ خطی که با کتابخانه‌های دارای نسخ خطی خارج از کشور در ارتباط هستید، وضعیت ایران را به عنوان مهد تمدن در نگهداری نسخ خطی با سایر کشورها چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

■ فکر می‌کنم ایران در بین کشورهای اسلامی نقش خوبی در نگهداری و احیای نسخ خطی داشته است. یکی از نکات مهم در احیای نسخ در ایران این است که در کشورمان دو زبان مهم عربی و فارسی از مهمترین زبان‌های نسخ خطی اسلامی است که همزمان تحقیق و تصحیح شده است و مصححان ما محدود به تصحیح متون به نسخه‌های فارسی نیستند؛ زیرا نسخه‌های عربی فراوانی داریم که تنها در ایران تصحیح شده و به کل دنیا ارسال شده است. زبان عربی تاریخ علم ماست و زمانی زبان علم ما بوده و فلاسفه ما نیز عربی‌نویس بودند. بنابراین تصحیح متن در ایران منحصر به زبان فارسی نیست. در کشورهای عربی بیشتر تصحیحات به زبان عربی است و در ترکیه نیز به زبان ترکی است. درباره نگهداری کتابخانه‌ای نسخه‌ها باید گفت دارای وضعیت اسفباری هستیم؛ با توجه به این که شما از

ایران به عنوان «مهد تمدن» یاد کردید، اجازه بدهید وضعیت فعلی نگهداری نسخه‌های خطی را با افغانستان، پاکستان و دیگر کشورهای جنگ‌زده مقایسه نکنیم؛ حتی نمی‌توان با هند که آثار اسلامی در آنها وضعیت خوبی ندارند، مقایسه کرد! اگر وضعیت نگهداری نسخ خطی را با کشورهای اروپایی بسنجیم باید به این نکته توجه کنیم که آنها آورانگان نسخه‌های خطی به کشورشان بودند و نگاهشان بیشتر حفظ موزه‌ای آثار است. در مقایسه با آنها شرایط نامطلوبی داریم؛ حتی در برابر ترکیه هم از شرایط خوبی برخوردار نیستیم. باید از این نکته نیز غافل نشد که در ایران، سیاستی برای «تفرُّق» نداریم. اگر از نسخ خطی غافل شویم نسخه‌های درجه یک سراز خارج درمی‌آورند و یا به طریقی در کتابخانه از بین می‌روند. یکی از نقاط ضعف پژوهشکده‌هایی که در زمینه تحقیقات اسلامی و خاصه فلسفه اسلامی فعالیت می‌کنند، کم توجهی به احیای تراث اسلامی و فلسفی است. اگر پاسخ شما به این دیدگاه مثبت است، راه برون‌رفت را در چه مسائلی ارزیابی می‌کنید؟ و اگر پاسخ منفی است، مصداقی از فعالیت‌های احیا و انتشار نسخ خطی در پژوهشکده‌ها بفرمایید؟

■ به نظر من نه تنها تعریف ساختار پژوهشگاه‌ها مشکل دارد، بلکه در یک نگاه کلی مؤسسات نیز دارای مشکل ساختاری هستند. مؤسسات با این‌که تشکیلاتی هستند اما فردی کار می‌کنند و گاهی موازی‌کاری نیز انجام می‌دهند و اقدامات دیگر به دلیل موازی‌کاری مورد غفلت قرار می‌گیرد. پژوهشگر امروز بیچاره‌تر از دیروز است. اگر دیروز به دنبال حق‌التالیف خود بود، امروز به دنبال یافتن یک ناشر برای چاپ اثر خود است.

«مجمع ذخائر اسلامی» به عنوان مؤسسه‌ای برای حفظ و صیانت از نسخ خطی، همایش‌های گوناگونی در پیوند میراث مشترک ایران و سایر کشورها (هند و عراق) برگزار کرده و هم‌اکنون در حال انجام مقدمات برای برگزاری همایش دیگری با ترکیه است. این همایش‌ها تا چه میزان توانسته شکاف‌های موجود سر راه احیای میراث مشترک با کشورهای همسایه و جوامع اسلامی را حل کند؟

■ دغدغه ذهنی من این است که ما حوزه تمدنی گسترده داشتیم و داریم و مرزهای جغرافیای بسیاری از مسائل سطحی را به وجود آورده است و هدفمان برگزاری همایش صرف نیست؛ بلکه اگر این همایش‌ها به صورت علمی برگزار شود، در درازمدت اثر مثبتی دارد. این اثرات مثبت در روابط اقتصادی و هم در اصلاح دیدگاه‌های دو کشور در روابط فرهنگی و اقتصادی و در اصلاح دیدگاه‌های اندیشمندان دو کشور مؤثر خواهد بود. این اثرات مثبت در همایش هند و عراق به وفور دیده شد که در نهایت به نفع جوامع اسلامی و کشور ایران است. البته باید این را هم بگویم که این همایش سیاسی نیست و همایشی کاملاً فرهنگی و علمی است که می‌تواند در اصلاح و بهبود مناسبات سیاسی مؤثر باشد.

مجموعه «مطالعات ایرانی - اسلامی» از جمله مجموعه‌های در حال انتشار در واحد انتشارات پژوهشکده مطالعات اسلامی اصفهان است. از این مجموعه تا به امروز سه عنوان



کتاب با موضوع فلسفه اسلامی منتشر شده است. دکتر حمید عطایی نظری، عضو هیأت علمی این پژوهشگاه و شایسته تقدیر دوازدهمین جشنواره نقد در حوزه فلسفه، کلام و عرفان و دبیر مجموعه «مطالعات ایرانی - اسلامی» است. وی اعتقاد دارد در احیای آثار اسلامی و فلسفی، بیش از کمیّت، کیفیت و دقت، تصحیح آنها باید مدّ نظر قرار گیرد، همچنین کم توجهی به احیای تراث اسلامی و فلسفی صرفاً با افزایش آمار نشر این آثار جبران نمی شود، آنچه در این بین مهم است تصحیح دقیق و انتشار صحیح میراث اسلامی - فلسفی ماست.

**آقای نظری مجموعه مطالعات ایرانی - اسلامی، چنان که از نام آن برمی آید، درصدد پیوند تمدن ایران و اسلام است. در این میان احیای تراث اسلامی که رساله های فلسفی نیز جزیی از آن هاست، تا چه میزان انگیزه انتشار این مجموعه است؟**

■ در واقع هدف اصلی از انتشار «مجموعه مطالعات ایرانی - اسلامی» فراهم آوردن زمینه ای مناسب برای انتشار آثار برتر پژوهشگران برجسته در راستای احیای میراث ارجمند اسلامی و ایرانی است. در این مجموعه، مطالعات و تحقیقاتی که به نوعی در ارتباط با تراث علمی تمدن اسلامی در حوزه های مختلفی همچون فلسفه، کلام، تاریخ و حدیث باشد، منتشر می شود. این آثار ممکن است در هر یک از قالب های تألیف، ترجمه یا تصحیح ارائه شود.

**با توجه به این که مؤسسات انگشت شماری در کشور به احیای تراث اسلامی همت گمارده اند، آیا انتشار این مجموعه می تواند راهگشایی برای رفع موانع موجود بر سر راه تصحیح و انتشار این آثار باشد؟**

■ البته موانع شایان توجه چندگانه و چندگونه ای بر سر راه تصحیح و انتشار آثار تراثی اسلامی وجود دارد که برای رفع آنها عزم و همتی جمعی باید صورت گیرد و طبعاً با انتشار یک یا چند مجموعه محدود نمی توان توقع برطرف شدن آنها را داشت؛ با این وصف، ما نیز به سهم خود می کوشیم در حد توان در این امر مشارکت کنیم و مقدمات انتشار آثار ارزشمند در حوزه پژوهش های اسلام شناسانه را فراهم آوریم. بسیاری از محققان و دانشوران پژوهش های شایسته ای در زمینه بازشناسی میراث اسلامی و ایرانی انجام داده اند که در پی فرصت و زمینه مناسب برای انتشار آنها هستند؛ مجموعه «مطالعات ایرانی - اسلامی» با هدف تسهیل و تمهید نشر آثار این محققان بنیان نهاده شده است. در حقیقت، گام بلند اصلی برای تسهیل و تسریع در نشر پژوهش های ایرانی و اسلامی را باید ناشران بزرگ دولتی و دانشگاهی که امکانات لازم برای انجام این امور را در اختیار دارند، بردارند. در این راستا، برنامه ها و فعالیت های ستایش برانگیز ناشران بزرگ بین المللی همچون انتشارات «بریل» که در سال های اخیر مجموعه های بسیار متعدد و متنوعی برای نشر حرفه ای آثار تحقیقی و تصحیحی اسلامی و ایرانی تأسیس و منتشر کرده اند، می تواند الگوی مناسبی برای ناشران بزرگ ایرانی باشد.

**یکی از نقاط ضعف مراکز و پژوهشکده هایی که در زمینه تحقیقات اسلامی و خاصه فلسفه اسلامی فعالیت می کنند، کم توجهی به احیای تراث اسلامی و فلسفی است.**

اگر پاسخ شما به این دیدگاه مثبت است، راه برون رفت را در چه مسائلی ارزیابی می‌کنید؟ و اگر پاسخ منفی است، مصداقی از فعالیت‌های احیا و انتشار نسخ خطی در پژوهشکده‌ها بفرمایید؟

■ در چند دهه پیشین در ایران مراکزی همچون «مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران»، «مرکز پژوهشی میراث مکتوب»، «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» و «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» و نیز چندین ناشر نام‌آور دیگر فعالیت‌های بسیار خوبی در زمینه احیای میراث فلسفی اسلامی انجام داده‌اند که البته شوربختانه تمامی این مراکز در چند سال گذشته دچار نوعی رکود و تنزل در نشر این‌گونه آثار بوده‌اند؛ اما به گمان من، کم‌توجهی به احیای تراث اسلامی و فلسفی صرفاً با افزایش آمار نشر این آثار جبران نمی‌شود؛ آنچه در این بین مهم است تصحیح دقیق و انتشار صحیح میراث اسلامی. فلسفی ماست. امروزه بسیاری از آثاری که با هدف احیای تراث فلسفی منتشر می‌شود فاقد ویژگی‌های لازم برای یک ویراست عالمانه از اثری فلسفی است. در نتیجه، نشر آنها عملاً نه تنها در راستای احیای آموزه‌ها و میراث فلسفی تمدن اسلامی سودمند نمی‌افتد، بلکه در واقع، ضرری بر پیکره این میراث ارج‌آور وارد می‌سازد. منتشر نکردن یک اثر کهن فلسفی به مراتب بهتر از چاپ غیرعالمانه و نامحققانه آن است. وقتی اثری به طبع نرسیده باشد محققان برای استفاده از آن به نسخ خطی رجوع می‌کنند؛ ولی اگر کتابی منتشر شده باشد بیشتر پژوهشگران به آن اثر چاپ شده رجوع می‌کنند که ممکن است ویراست دقیقی از اثر نباشد و در نتیجه، گمراه‌کننده آنها در تحقیقات‌شان باشد. بنابراین در احیای آثار اسلامی و فلسفی، بیش از کمیت، کیفیت و دقت، تصحیح آنها باید مد نظر و وجهه همت قرار گیرد.

**درباره آثار در دست انتشار در مجموعه مطالعات ایرانی. اسلامی توضیحاتی بفرمایید؟**

■ تاکنون سه اثر در قالب «مجموعه مطالعات ایرانی. اسلامی» منتشر شده است: نخست، جلد اول کتاب از گنجینه‌های نسخ خطی تألیف دکتر حسن انصاری، پس از آن، ترجمه کتاب فیلسوف یهودی بغداد (ابن‌گمونه و آثار او) نوشته خانم زابینه اشمیتکه و رضا پورجوادی، و به تازگی هم کتاب الْمُتَبَقِّيِّ مِنْ كُتُبِ مَفْقُودَةِ که به کوشش دکتر حسن انصاری تدوین و گردآوری شده است.

ویراست جدیدی از بصائر الدرجات به تصحیح محمد کاظم محمودی، تصحیح تازه‌ای از تسلیک النفس علامه حلّی به کوشش حسین صادقی، صحیفه پژوهی که مجموعه مقالات تحقیقی سید محمد حسین حکیم درباره صحیفه شریفه سجادیه است، و روزنامه عاشورا که اثری ترجمه. تألیف‌گونه از جويا جهانبخش می‌باشد.

**برای انتشار متون در مجموعه مطالعات ایرانی. اسلامی آیا تألیف یا تصحیح آثار به نویسندگان و مصححان پیشنهاد می‌شود یا این‌که محققان خود به شما (پژوهشکده) مراجعه می‌کنند؟**

■ در واقع هر دو صورت یادشده امکان‌پذیر است. سفارش تألیف یا تصحیح برخی



آثار برای نشر در مجموعه مطالعات ایرانی - اسلامی از سوی پژوهشکده مطالعات اسلامی اصفهان (وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم) صورت گرفته و برخی دیگر نیز به پیشنهاد خود محققان برای نشر در این مجموعه در نظر گرفته می شود. گروه فلسفه و کلام پژوهشکده مطالعات اسلامی اصفهان آثار محققانه و فاخر در حوزه مطالعات تمدن ایرانی - اسلامی را که درخواست نشر در این مجموعه داشته باشند، صمیمانه پذیراست.

سید اکبر راشدی نیا، مصحح و پژوهشگر متون و نسخ خطی در حوزه عرفان است. وی که یکی از دغدغه‌هایش توزیع نامناسب آثار منتشر شده در حوزه احیای میراث فکری و معنوی تمدن ایران اسلامی است، اعتقاد دارد هنوز تعریف روشن و دقیقی از تصحیح بین مصححان ما وجود ندارد. وی تهیه تصویر نسخه‌های خطی را سخت و هزینه‌بر می‌داند و از متولیان می‌خواهد چرخه توزیع آثار را اصلاح کنند تا نسخه‌های منتشر شده بهتر به دست مخاطبان برسد.



گفت‌وگوی مشروح اینها، با این مصحح درباره موانع بر سر راه احیای تراث اسلامی را در ادامه می‌خوانید:

#### از آنجا که تراث اسلامی میراث معنوی و فکری ایران

اسلامی است و رساله‌ها و نسخه‌های خطی در حوزه فلسفه اسلامی نیز جزئی از آنها به شمار می‌آید، ایرانیان معاصر و پژوهشگران تا چه میزان توانسته‌اند از این میراث فکری محافظت و آن را به درستی احیا کنند؟

■ نسبت آنچه که از میراث گذشتگانمان به صورت خطی به ما رسیده با آنچه از آنها منتشر شده است نسبت ناچیزی است. در کل، این نسبت ناهماهنگ است. بگذارید برایتان یک مثال بزنم. «عثمان یحیی» مجموعه آثار ابن عربی را تحقیق و بررسی کرده است. به استناد گزارش وی ۱۲۲ شرح بر کتاب فصوص الحکم ابن عربی نوشته شده که از میان این شرح بیش از صد شرح هنوز منتشر نشده است؛ در حالی که بخش معظمی از این شرح دارای نسخه هستند. همین مثال نشان می‌دهد که نسبت‌های بین آنچه به ما رسیده و آنچه منتشر شده چقدر است. اشارات و تنبیهات از جمله کتاب‌های مهم ابوعلی سیناست که مورد توجه اندیشمندان بعد از او قرار گرفته است. در کتاب جامع الشروح و الحواشی حدود ۵۰ شرح و حاشیه و ترجمه بر کتاب اشارات ابن سینا نوشته شده است؛ اما امروزه و در حال حاضر تنها ۵ یا ۶ شرح اشارات احیا و منتشر شده است.

همان‌طور که می‌دانیم میراث نسخ خطی تنها معطوف به حوزه فلسفی نیست؛ بلکه در حوزه روایات نیز نسخه‌های بسیاری وجود دارد. «سبط ابن جوزی» با واسطه از سیدمرتضی نقل می‌کند که در کتابخانه‌اش بیش از ۴۰۰ خطبه امیرالمؤمنین وجود داشته است و مسعودی در تاریخ خود از ۴۸۰ خطبه امیرالمؤمنین سخن گفته که مردم آنها را حفظ کردند؛ اما تنها بخش کوچکی از آنها، در حدود نیمی از آن، از سوی سیدرضی جمع‌آوری

و با نام نهج البلاغه امروزه در دست ماست. البته به همین نیز بسنده نشده و سید رضی بیشتر خطبه‌ها را تلخیص کرده و بخش زیادی از آنها را در کتاب نهج البلاغه نقل نکرده است؛ برای مثال بنده نسخه‌ای کامل از خطبه «قاصعه» یافته‌ام که با آنچه در نهج البلاغه آمده، تفاوت زیادی دارد؛ این خطبه به صورت کامل در اختیار محدثان شیعه همچون کلینی، صدوق و طبرسی بوده و حتی نسخه مکتوب گزارش «سید ابن طاوس» تا قرن هفتم از این خطبه وجود داشته؛ اما آنچه ما از این خطبه می‌شناسیم بخشی است که در نهج البلاغه آمده است.

### با این توضیح به نظر می‌رسد که بین نسخ احیاء شده و منتشر شده توازنی وجود ندارد؟

■ بله! همینطور است. ما امروزه میراث دار هزار و اندی سال تلاش علمی بزرگانمان در شاخه‌های مختلف حدیثی، تفسیری و فلسفی هستیم که بخش کمی از آنها احیاء شده‌اند. علاوه بر این که بخشی از این نسخه‌ها از بین رفته و بخش کوچکی به دست ما رسیده است. به عنوان نمونه کتاب نجاشی که در واقع کتاب فهرست می‌باشد، به صدها کتاب از محدثان شیعه اشاره کرده که هنوز به دست ما نرسیده است.

### هر اقدام فرهنگی و علمی خالی از خلل و نواقص نیست. شما به عنوان یک مصحح، مهمترین آسیب‌های وارد بر حوزه احیای تراث اسلامی را در چه مواردی ارزیابی می‌کنید؟

■ در پاسخ به این سؤال شما باید گفت بررسی آسیب‌های وارد بر حوزه احیاء تراث اسلامی جلساتی مجزا می‌طلبد؛ اما به صورت خلاصه اولین آسیب وارد بر این حوزه شناسایی متون است. ما در شناسایی و درجه‌بندی متون گذشته خودمان مشکل داریم. گاهی دیده می‌شود متون غیرمهم درجه 2 و 3 توسط عده‌ای به صورت همزمان در اقصی نقاط کشور تصحیح می‌شود. اولین اقدام ما این است که متون را شناسایی کنیم. درگام بعدی آنها را رتبه‌بندی کرده و سپس دست به تصحیح آنها بزنیم. متأسفانه روال کار بین برخی مصححان بر این است که نسخه‌های در دسترس خود را تصحیح می‌کنند و در پاسخ به چرایی این مسئله می‌گویند که این نسخه در دسترسمان بود.

### ارزش‌گذاری و غربال این متون نیازمند استانداردهایی است. به نظر شما احصای ارزش یک متون چگونه فراهم می‌شود؟

■ برای این کار، نیازمند یک تیم قوی هستیم که تعریف درستی از تصحیح متون داشته باشیم تا بتواند ارزش‌گذاری خوبی برای متون انجام دهد. فرض کنید چند میلیون متن داریم؛ از این تعداد باید متون درجه یک و تأثیرگذار در دوره‌های مختلف مشخص شود؛ سپس زمان‌بندی مشخصی برای تصحیح این متون در نظر گرفته شود تا در این برهه متخصصان و کارشناسان دست به تصحیح متون بزنند. به نظر من شناسایی، گام نخست تصحیح متون است. در پاسخ به سوال دوم باید بگویم دستیابی به این نسخه‌ها که در جای جای جهان پراکنده هستند آسان نیست. نمی‌توانیم بگویم همه نسخه‌ها در هند



و پاکستان نگهداری می‌شوند. متأسفانه دستیابی به نسخه‌ها فرایند طولانی و هزینه‌بری دارد. پروسه طولانی در اختیار قرار دادن تصاویر نسخه‌ها و هزینه‌گزار برای دریافت آنها از دیگر آسیب‌های جدی تصحیح متون است و تا زمانی که ما به نسخه‌های متون تأثیرگذار دسترسی نداشته باشیم، بیشتر سخنان و نوشته‌هایمان بر مبنای گمان و حدس خواهد بود.

در این باره هم می‌خواهم برایتان مثالی بزنیم؛ کتاب مجالس عارفان که در بردارنده مجالس ابوسعید ابوالخیر است از جمله کتاب‌هایی است که بنده نسخه آن را از کتابخانه‌ای در قزوین پیدا، تصحیح و منتشر کرده‌ام. این مجالس در دسترس پژوهشگرانی مانند «فریتس مایر» و سایر استادان ایرانی نبوده است؛ لذا تمام تحلیل‌های خود از حیات معنوی این عارف بزرگ را بر مبنای کتاب اسرار التوحید و «حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر» که بعد از مرگ ابوسعید ابوالخیر نوشته، بنا کرده‌اند. در حالی که آنچه «ابوالروح» در کتاب حالات و سخنان گفته، بعد از صد سال از مرگ ابوسعید بیش از دویست مجلس از مجالس شیخ در دست مردم بوده که اگر ما به اینها دست یابیم، آن‌گاه می‌توانیم با اطمینان در مورد افکار و عقاید و دغدغه‌های معنوی ابوسعید سخن بگوییم. ما در کتاب مجالس عارفان هشت مجلس از این مجالس را برای اولین بار احیا و منتشر کردیم.

آسیب دیگری که در این زمینه داریم بحث تصحیح است. متأسفانه باید گفت برخی مصححان تعریف درستی از تصحیح ندارند. انتشار متن الزاماً به معنای تصحیح آن متن نیست. دیده می‌شود که مرکزی برای احیای آثار یکی از حکمای بزرگ اسلامی شکل گرفته و قرار است آثار این حکیم را به بهترین شکل ارائه کند؛ بعد از سال‌ها کار و صرف هزینه زیاد اثری را به عنوان اثر مصحح چاپ کرده که در مقایسه با متن غیر مصحح متوجه می‌شویم بارها در حد صفحه، جا افتادگی‌هایی دارد! متأسفانه وضع تصحیح نباید این‌گونه باشد؛ بلکه باید مؤسسه متولی آموزش درست تصحیح به پژوهشگران تأسیس شود. این‌گونه انتشار متون خطی تنها «انتشار» است؛ یعنی با یک حروف چینی اقدام به چاپ نسخه‌ها می‌کنیم؛ در حالی که تصحیح درست و منطقی بر آنها انجام نشده است. معضل و آسیب دیگر احیای میراث مکتوب در عرضه و توزیع آنهاست. این‌که می‌گویند سرانه مطالعه پایین است، حرف درستی می‌باشد؛ اما الزاماً تمام مشکل این نیست. متأسفانه ما سیستم خوبی برای عرضه این آثار نداریم. وقتی چرخه عرضه معیوب باشد تمامی کار اعم از شناسایی، تصحیح و انتشار زیر سؤال می‌رود. ده‌ها دانشگاه در اقصی نقاط ایران تأسیس شده است. تمامی این دانشگاه‌ها کتابخانه دارند؛ بن‌مایه اصلی مطالعه در هر کتابخانه همین متون خطی و قدیمی است؛ اما در سیستم توزیع مشکل دارد.

**پژوهشگاه‌ها از جمله دستگاه‌های عریض و طویل فرهنگی و علمی هستند که گاه بخشی برای احیای متون ندارند و تنها آثار اعضای هیأت علمی خود را به چاپ می‌رسانند. شما با این تلقی موافقید؟ اگر نه، مصداقی بیان کنید.**

■ در کل باید گفت یک پژوهشگاه راهبردی برای احیای متون نداریم. مراکز و افراد

علاقه مند به صورت پراکنده در این حوزه فعالیت می‌کنند. چندین و چند مؤسسه و پژوهشکده در حوزه‌های مختلف مؤسسه مشغول به کار هستند. این نهادهای علمی همان طور که گفتم باید یک تیم شناسایی قوی تشکیل داده و یک دوره به صورت متمرکز در کتابخانه‌های مختلف دنیا مثلاً در کتابخانه استانبول دست به شناسایی متون بزنند.

**آیا شناسایی این متون از انتساب غیر حرفه‌ای رساله‌ها به فلاسفه و علما پیشگیری می‌کند؟**

■ بله! از یک سو سابقاً هر سوم نبود کاتبان نام مؤلف کتاب را در ابتدای آن بنویسند و از سوی دیگر برخی کاتبان با بی‌اخلاقی، با انتساب نسخه‌ها به افراد مشهور آنها را می‌فروختند. همین مسئله باعث اشتباهات زیاد در مؤلفان آثار به جای مانده از گذشتگان شده است. ما امروزه صدها اثر به نام افراد مشهور داریم که غالباً نوشته دیگران است؛ به عنوان مثال بیشتر کتاب‌های فارسی که به «صدرالدین قونوی» نسبت داده شده نوشته شخصی به نام «ناصرالدین خوبی» است. علاوه بر انتساب کتاب، انتساب غلط نظریه‌های علمی نیز به دلیل عدم دسترسی به همه میراث علمی گذشتگان شایع است؛ برای مثال معروف است که نظریه «وحدت وجود» را ابتدا ابن عربی مطرح کرده و این اصطلاح سال‌ها بعد توسط شاگردان جعل شده است و حال آن‌که اگر به میراث به جای مانده از عارفان غرب جهان اسلام همچون اندلس مراجعه کنیم می‌بینیم سال‌ها قبل از ابن عربی این نظریه در آثار بزرگانی همچون ابن برجان مطرح بوده است؛ چنانکه ابن سبعین که معاصر با ابن عربی است با تصریح به اصطلاح وحدت وجود آن را نظریه‌ای مشهور در نزد عارفان و صوفیان می‌داند.

**به نظر شما فاصله ایران به عنوان مبدأ و مهد تألیف متون خطی با سایر کشورهای دارای نسخه‌های خطی چقدر است؟**

■ اگر ایران را با کشورهای اروپایی مقایسه کنیم، تقریباً مقایسه درستی نیست؛ زیرا کشورهای اروپایی نسخه‌های محدودی دارند و فهرست‌های خوبی هم نوشته‌اند و با وضعیت خوبی از آنها نگهداری می‌کنند؛ اما در جهان اسلام که در واقع صاحبان نسخه هستند چنین است که بخشی از این نسخه‌ها هنوز بین افراد و مجموعه‌داران پراکنده است؛ اما از نظر فهرست‌نگاری، ایران نسبت به بسیاری از کشورهای اسلامی وضعیت خوبی دارد. تعداد نسخه‌های خوب در کشوری مانند ترکیه به نظر من بیشتر از ایران است. البته این امر طبیعی است؛ زیرا بزرگترین امپراتوری جهان اسلام که عثمانی باشد، در ترکیه بوده و بهترین نسخه‌ها از کشورهای مختلف همچون مصر، عراق و ایران و کشورهای شمالی حوزه بالکان به این امپراتوری رفته است؛ به‌ویژه در حوزه علوم عقلی و فلسفه و عرفان نسخه‌های بسیار نفیس در این کشور وجود دارد به عنوان مثال با اینکه «عبدالرزاق کاشانی» شرح فصوص الحکم خود را در تبریز نوشته، اما در حال حاضر این نسخه به دستخط خود او در استانبول وجود دارد و صدها اثر دیگر در شهرهای مختلف ایران کتابت شده و در کتابخانه‌های ترکیه نگهداری می‌شود. در کل می‌توان گفت وضعیت ایران در فهرست‌نگاری و نگهداری به لحاظ کیفی و کمی در وضعیتی بینابین به سر می‌برد.



مرکز تحقیقات و توسعه علوم اسلامی



# تقدشاهی

